

پولکی ها،

با هنر واقعی، بیگانه اند!

میخواهد تا همه مردم به نقش تنظیم کننده در ارائه یک آهنگ و ترانه پی ببرند. دلم میخواهد روزی برسد که دوستداران موسیقی همان حساسیت را نسبت به تنظیم نشان بدهند که نسبت به آهنگ یا صدای خواننده یا شعر نشان می‌دهند.

* تو که در زمینه موسیقی مدرن کار میکنی، در مورد موسیقی اصیل ایرانی چه نظری داری؟

- من بجز آن میتوانم بگویم که عاشق موسیقی ایرانی هستم، بخصوص موسیقی اصیل ایرانی. من از صدای ساز و نوازنده بومی و محلی مثلاً گیلکی یا کردی که موسیقی فولکلوریک خودشان را اجرا می‌کنند خیلی بیشتر لذت میبرم تا از یک ارکستر بزرگ رادیو تلویزیون که موسیقی ایرانی اجرا می‌کند، ولی بطور ناهماهنگ... که این ناهماهنگ بودن خودش کلی به اصالت کار لطمه میزند، در حالیکه این ارکستر بزرگ و مسئولین آن بدلیل امکانات زیادی که دارند باید کار بهتری ارائه کنند و به اعتقاد من نوازندگان شهرستانی بدلیل تعصب و غیرت کاری، لاقبل موسیقی خودشان را بهتر و بدون نقص‌تر اجرا می‌کنند و دقت بیشتری بخرج می‌دهند.

ناصر چشم آذر دنباله سخن را چنین ادامه میدهد:

- من ایده‌هایی برای جهانی کردن موسیقی ایرانی داشتم و تصمیم داشتم یک ارکستر سنفونیک اصیل ایرانی درست کنم بدون استفاده از کنترباس و ویلن و سایر سازهای فرنگی. در واقع می‌خواستم فقط با استفاده از سازهای ایرانی مثل نی، قیچک، سنتور، کمانچه، تار و غیره این ارکستر را تشکیل بدهم. چه اشکال دارد که در یک ارکستر سنفونیک ایرانی بجای ویلن‌سل از کمانچه بهره‌گیری کنیم و در ارکستر ده‌تاکمانچه، هشت تا تار و چهار تا نی و غیره بگذاریم؟ ولی مشکل بزرگ البته مشکل نوازنده است که مثلاً تعداد نوازندگان خوب کمانچه از پنج شش تانجاوز نمی‌کند.

* چرا جوان‌ها به یاد گرفتن سازهای اصیل ایرانی کمتر رغبت نشان می‌دهند؟
- اتفاقاً به نظر من جوانها خیلی دوست دارند این سازها را یاد بگیرند ولی امکانات

*** من فراگیری موسیقی را با صدا در آوردن از استکان و نعلبکی شروع کردم...
* آرزوی بزرگم اینست که با کمانچه و نی و تار و سنتور، ارکستر سنفونیک ایرانی ترتیب بدهم.
* تقلید کار آسانی است و بهمین جهت اینهمه رواج پیدا کرده است**

کشتی خاص به طرف موسیقی داشتم. اولین سازی که یاد گرفتم آکاردئون بود، یادم می‌آید شش هفت ساله که بودم از سینی چای و استکانها صداهای مختلف در می‌آوردم... البته بطور تجربی از پدرم چیزهایی آموختم ولی می‌توانم بگویم هرگز استادی نداشتم و در واقع فارغ‌التحصیل مکتب خصوصی خودم هستم، یعنی از ذوق و استعداد خودم برای دست یافتن به هنر موسیقی کمک گرفتم. من با موسیقی و سر و کله زدن با سازهای مختلف بزرگ شدم و حالا گرچه ساز اصلی من پیانو است، ولی با سازهای دیگر نیز آشنائی دارم، خیلی راحت می‌توانم بگویم که من همیشه حرص یاد گرفتن موسیقی داشتم تا آنجا که تحصیل را رها کردم و رفتم دنبال موسیقی و اگر بگویم که یک روز از عمرم را بدون موسیقی و فترا گرفتن موسیقی نگذراندم دروغ نگفتم و هنوز که هنوز است طالب یاد گرفتن بیشتر موسیقی هستم و باصطلاح خودم تازه دارم در ورودی را پیدا میکنم، دری که به جهانی تازه از موسیقی باز میشود

* تو بیشتر در زمینه تنظیم آهنگ کار میکنی... در این مورد توضیح بیشتری بده، آیا مردم ما به اهمیت تنظیم پی بردماند؟

- میتوانم بگویم سی درصد از مردم ما که شنونده موسیقی هستند به اهمیت تنظیم پی بردماند، این عده نسبت به تنظیم و تنظیم کننده بی تفاوت نیستند و گذشت زمان

ناصر چشم آذر آهنگساز جوانیست با شهرت و محبوبیت زیاد و شبکی خاص در زمینه موسیقی... چشم آذر را بیشتر به عنوان یک تنظیم کننده می‌شناسیم، ولی این هنرمند با ذوق آهنگها و ترانه‌های متعددی هم ساخته که بدلیل تازگی و ویژگی‌هایی که در تنظیم و اجرا داشته‌اند، باصطلاح خیلی زود گل کرده‌اند. مثل «همزبونم باش» که حمیرا خواند، مثل «خلوت» و «هجرت» که گوگوش اجرا کرد... مثل «همصدا» که خواننده آن پوران است و «دو پرده» و «بیا به بین» و دهها آهنگ دیگر... تازه‌ترین آهنگ چشم آذر نیز «غمگین و تنها» نام دارد که مهستی اجرا کرده و در نوع خود جالب و دلپذیر است.

شهرت و محبوبیت ناصر چشم آذر زمانی بیشتر شد که یک ارکستر زنده را در شو قریب افشار اداره کرد و در این زمینه موفقیتی چشمگیر بدست آورد، گو اینکه بقول خودش اداره یک ارکستر زنده دردسرها و مشکلات طاقت فرسایی هم دارد. چشم آذر که کارهای متنوعی ارائه کرده، معتقد است که یک هنرمند وقتی چنتاش خالی شد باید صحنه را خالی کند... بهر حال پای صحبتش می‌نشینیم و به حرفهایش گوش می‌دهیم.

* چطور شد به موسیقی روی آوردی؟
- پدرم موزیسین است و من هم از بچگی

کافی و تشویق وجود ندارد. باید امکانات در اختیار جوانها قرار بدهند و آن‌ها را تشویق کنند که بروند و سازهای اصیل ملی را یاد بگیرند. مثلاً چه مانعی دارد مسئولین امر بیایند از «بهاری» که عمرش را در خدمت کمانچه گذرانده است تجلیل کنند و به این طریق به جوانان نشان بدهند که اگر کمانچه‌کش شوند در آینده به‌فراموشی سپرده نخواهند شد.

چشم‌آذر میافزاید:

- متأسفانه ما نه تنها در موسیقی اصیل، بلکه همچنین در موسیقی مدرن نیز با کمبود نوازنده روبرو هستیم و با وجود این، عده‌ای شکایت دارند که موسیقی ما چرا در سطح جهانی ارائه نمی‌شود. واروژان یادش بخیر، با نداشتن امکانات خیلی سعی کرد موسیقی ما را به جهانی شدن نزدیک کند، آیا چنین تلاشی قابل تحسین و تقدیر نبود؟... چرا کسی یادی از واروژان نمی‌کند و تلاش‌هایش را برای ارائه موسیقی خوب نمی‌ستایند؟ متأسفانه زمانهای شده که بین دوغ و دوشاب تفاوتی قائل نمی‌شوند. هر آدم بی‌اطلاعی آمده و کار تنظیم می‌کند، درحالی‌که تنظیم کردن اصولی دارد. قواعدی دارد و بدون اطلاع از این اصول و قواعد کسی نمی‌تواند تنظیم کننده خوبی شود.

● مسئله مادیات تا چه اندازه برای مطرح است؟

- برای من مسائل مادی هرگز مطرح نبوده و نیست و من فقط بخاطر موسیقی و علاقهای که به آن دارم کار میکنم، البته می‌شناسم کسانی را که فقط بخاطر پول ارش می‌کشند و بنظر من این نوع افراد قابل ترحم هستند و نمی‌شود نام هنرمند رویشان گذاشت. یا هستند آهنگسازانی که چهارتا نت سرهم می‌کنند و باسم آهنگ تحویل می‌دهند تا فقط به‌پول برسند که بساین آدم‌های پولکی نمی‌توان عنوان هنرمند داد.

● مسئله تقلید کردن و همچنین کپی کردن از کار آهنگسازان خارجی این روزها مورد بحث است، تو در این مورد چه نظری داری؟

- بیشتر هنرمندان ما تا آنجا که از دستشان بر بیاید از تقلید روش‌های دیگران غافل نمی‌مانند... یادم می‌آید تازه‌کار تنظیم را شروع کرده بودم، آهنگ «تهمت» را که رامش خواند با «بشکن» توأم کردم. هنوز چند هفته از پخش آن نگذشته بود که دیدم دوستان نیز در آهنگهایشان از «بشکن» استفاده کرده‌اند. یکبار

هم هنگام ضبط یک آهنگ جدید به رامش گفتم سه بار روی صدای خودت بخوان و بعدها این نحو خواندن باب شد بدون اینکه مقلدین برویشان بیاورند که باها این ناصر چشم‌آذر بود که این نوع خواندن را باب کرد...

ناصر سرگردد دلش باز شده است و ادامه

میدهد:
- چندی قبل ارائه ترانه‌ها و آهنگهای فولکلوریک را با اجرای مدرن تجربه کردم مثل «اسمراسمر» به این خیال که جوانها را هم بظرف این نوع موسیقی جلب کنم. چیزی نگذشت که عده‌ای آمدند، هلیوس و بندری و خراسانی را به این سبک اجرا کردند... من نمی‌گویم چرا اینها روش مرا دنبال کردند، نه، گله من این است که لااقل یادی هم از مبتکر این روش‌ها میکردند. کپی کردن آثار موسیقی دانان خارجی هم باصطلاح مد روز شده ولی خوشبختانه مشت کپی کنندگان خیلی زود یاز میشود.

● بطور کلی تو خودت را یک تنظیم کننده می‌دانی یا یک آهنگساز؟

- من شیفته تنظیم هستم و آهنگسازی را بطور آماتور انجام میدهم. بهمین دلیل مرده نیز مرا بیشتر بعنوان یک تنظیم کننده می‌شناسند.

● تا چه اندازه با موسیقی اصیل ایرانی آشنائی داری؟

- دستگاهها را می‌شناسم چرا که من در زمینه موسیقی مدرن ایرانی کار می‌کنم... حال و هوای ملودی‌های من شرقی و ایرانی است، حالا چه ریتم دیسکو باشد، چه باس و چه تانگو....

● برای آینده چه برنامه‌هایی داری؟

- بزودی یک برنامه رادیویی در بنارم موسیقی، آن هم بصورت هفته‌ای یکبار، از رادیو تهران اجرا خواهم کرد و بوسیله این برنامه بین مردم و موسیقی ارتباط برقرار می‌کنم چه از طریق بحث و گفتگو و چه از طریق اجرای قطعات مختلف موسیقی... دست اندر کار تهیه و اجرای یک «شو» تلویزیونی نیز هستم، البته ادعای شومین بودن ندارم.

● با قریب افشار و شو «دنیای خوب ما» همکاری دائمی داشته‌ای، آیا این همکاری قطع خواهد شد؟

- کارهای تلویزیونی من همیشه در برنامه‌های قریب افشار بوده و من نسبت به قریب افشار یک احساس حق شناسی دارم و هر گاه لازم باشد با برنامه‌های او و با او همکاری صمیمانه خواهم داشت.

● در انتخاب ترانه تا چه حد دقت بخرج می‌دهی؟

- شعر و ترانه خوب می‌تواند جان تازه‌ای به آهنگ بدهد و من در انتخاب ترانه وسواس زیادی بخرج میدهم. اصولاً ما با شعر الفتی دیرینه داریم و نباید از نقش و اهمیت آن در موسیقی غافل بمانیم. ■